

## بازتاب اوضاع اجتماعی در متون عصر قاجار با تأکید بر فرهنگ عامه

(ص ۵۱۴ - ۴۹۷)

نورالدین نعمتی (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup>، شیرزاد طایفی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱/۲۸

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۲/۸/۴

### چکیده

در کنار متون تاریخی و اجتماعی، طیف گسترده‌ای از متون ادبی از ادبیات داستانی تا شعر، بخوبی مسائل اجتماعی ایران عصر قاجار را در خود نمایانده‌اند. در این میان، فرهنگ عامه بخشی از این متون است که مسائل اجتماعی مردم عادی را بازتاب می‌دهد. مباحث فرهنگ عامه و متون ادبی، به سطوح غیررسمی جامعه می‌پردازند و بهمین خاطر، نباید آنها را مرجع دقیقی برای بررسی مسائل اجتماعی دانست؛ اما از آنجا که واقعیتها را بازتاب می‌دهند، مؤلفه‌های مهمی برای مطالعات تاریخی و اجتماعی بشمار می‌روند، که می‌توانند نتایج این مطالعات را تأیید و تقویت کنند. فرهنگ عامه، عقاید و نتایج رفتار مهم مردم عادی را در زمینه‌های مختلف اجتماعی مانند آداب، رسوم، جشنها، سرگرمیها و تفریحات، و... دربرمیگیرد. اینکه چگونه فرهنگ عامه به مرجع فهم عمومی جامعه بدل میشود و ما آنرا بازتاب دهنده وضعیت اجتماعی ایران در این دوره میدانیم، مسئله مهمیست که این مقاله به آن می‌پردازد.

### کلمات کلیدی

فرهنگ عامه، مسائل اجتماعی، شعر، ادبیات، دوره قاجار

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران nemati45@yahoo.com

۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی

## مقدمه

از جمله منابع ارزشمند در بررسی مسائل اجتماعی ایران عصر قاجار، متون ادبی است. مسائل اجتماعی در طیف گسترده‌ای از این متون، از ادبیات داستانی تا شعر و متون حاوی فرهنگ عامه مطرح هستند. البته، در بررسی مسائل اجتماعی، متون ادبی به نسبت متون تاریخ اجتماعی دقیق و مستند نیستند، اما چون بازتاب واقعیت‌های موجود آن دوره به شمار می‌آیند، می‌توانند شواهد و مستندات خوبی برای مطالعات تاریخی و جامعه‌شناسی باشند.

در میان مباحث متون ادبی، فرهنگ عامه نوع خاصی از گفتمان است که به جنبه‌های غیررسمی زندگی اجتماعی می‌پردازد. در مباحث مختلف فرهنگ عامه، آداب، رسوم، باورها، طرز تلقیها، رفتارها، جشنها، سرگرمیها و تفریحات، خرافات، و... بعنوان مظاهر فکری و رفتاری جامعه بازتاب داده میشود. با وصف اینکه فرهنگ عامه به شکلی غیررسمی زندگی اشاره دارد، میزانی از فهم و درک مردم و نیز وضعیت جامعه را به تصویر میکشد؛ اگرچه بخش مهمی از آن، گزارش تفریحات و سرگرمیهای است که جذاب هستند و فهم آنها آسان مینماید؛ به این ترتیب، جدا از مقبولیت یا عدم مقبولیت مسائل مطرح در فرهنگ عامه، پدیدآورندگان متون آن یک نوع ارزشیابی از فهم جامعه و توصیفی از وضعیتی که حادث میشود، به دست میدهند که در فهم مسائل تاریخی و جامعه‌شناسی تاریخی بسیار مهم است؛ مثلاً در دوره قاجار که بیشتر مردم از نعمت سواد محروم هستند، گرایش جدی به خرافات و اوهام دارند که پدیدآورندگان متون فرهنگ عامه ضمن گزارش این وضعیت، مطالبی بیان کرده‌اند که میتواند به عنوان آسیاب یا دلایل این خرافه‌پرستی و اوهام‌گرایی مطرح باشد. بخش دیگری از این مسائل، مربوط به سیاست و حکومت در عصر قاجار است که به شکل غیررسمی ارائه میشود.

مقاله حاضر در پی بررسی کارکردهای متون فرهنگ عامه و موضوعات مورد توجه این متون در زمینه مسائل اجتماعی و سیاسی ایران عصر قاجار است.

## مبانی بحث در فرهنگ عامه

فرهنگ عامه، دانشی است که ابعاد یک جامعه را مورد مطالعه قرار میدهد و در زبان محاوره به جلوه‌های مختلف سنن مردمی اطلاق میشود که با شدت و ضعف در مواقع خاصی ظاهر میشوند و بقای آن بیگمان در گرو جشنها، عادات، افسانه‌ها، خرافات، رقصها، فولکلور و یا حتی زبانهای محلی و لهجه‌هاست که این امر، به نوبه خود نمایانگر اینست که فرهنگ عامه با تمدن باستانی و بقایای آن، همانندینها و وجوه اشتراک زیادی دارد. اینست که آندره وارانیاک، فرهنگ عامه را با بقایای تمدن یکسان می‌شمارد و برای آن سه صفت اصلی مطرح

میکند، که عبارتند از: «الف: از عناصر متعلق به تمدن باستانی تشکیل شده است، ب: هیچ شیوه انتقال به صورت علمی را نمیپذیرد، پس هر نوع نظریه‌پردازی و تعبیه قوالب نظری در مورد آن نایجاست، ج: دارای نوعی تسری (بدون آمیختگی) بر عناصری در تمدن جدیدتر است.» (فرهنگ علوم اجتماعی، بیرو: صص ۱۳۸-۱۳۹) پژوهشگران فرهنگ عامه، موضوعات تشکیل دهنده فولکلور را در سه مقوله اصلی و چند مقوله فرعی به ترتیب زیر تقسیم میکنند:

«الف: باورها و عادات مربوط به زمین و آسمان، دنیای گیاهان و رویدانها، دنیای حیوانات، دنیای انسانی، اشیای مخلوق و مصنوع نوع بشر، روح و نفس و دنیای دیگر، موجودات مافوق بشر (رب‌التوعها و ربه‌التوعها و غیره)، غیبگویی و معجزات و کرامات، سحر و ساحری، طب و طبابت.

ب: آداب و رسوم مربوط به نهادهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی، شعائر و مناسک زندگی انسان، مشاغل و پیشه‌ها، گاه‌شماری و تقویم جشنها، بازیها و سرگرمیهای اوقات فراغت.

ج: داستانها و ترانه‌ها و ضرب‌المثلهای داستانها (حقیقی و سرگرم کننده)، ترانه‌ها و تصنیفها، مثلها، مثلها و چیستانها.» (پژوهش و بررسی فرهنگ عامه ایران، بیهقی: ص ۲۱)

همانگونه که گفته شد، از جلوه‌های برجسته فرهنگ عامه، آداب و رسوم و عادات است. رسم و عادت یا به صورت کلی رسوم، به آن رفتارهای جمعی اطلاق میشود که علی‌رغم ناکامیها تجدید و تکرار میشوند، و نمیتوان آنان را تکرار کم و بیش آگاهانه یک عرف و عادت، از سوی همگان تلقی کرد؛ بنابراین فهم ارزش و بررسی شیوه‌های زندگی جوامع بر اساس رسوم امکانپذیر خواهد بود. (فرهنگ علوم اجتماعی، بیرو: ص ۷۹) وقتی آداب و رسوم، شامل شیوه‌های زندگی، عادات و رسوم خاص یک ملت، مردم و یا یک جماعت است، پس به تبع آن دارای ابعاد الزام و ارضای عمومی شرکت کنندگان در حیات اجتماعی نیز میباشد. از دیدگاه جامعه‌شناسی، آداب و رسوم رایج بدینصورت تعریف میشود: مدلهای اساسی و مهم رفتار است که افراد به اجبار در یک محیط اجتماعی میپذیرند؛ همان مجموع رفتارهایی که بصورت عادت در آمده‌اند و افراد متعلق به یک طبقه آنها را انجام میدهند و جامعه نیز در طبقه‌بندی ارزشها، معنایی ضمنی برای آنها قایل است؛ به این ترتیب بدیهیست که عدم پایبندی به رعایت آداب و رسوم متداول، از سوی افکار عمومی تقبیح و در مواردی با استناد به قوانین مدنی، منجر به تعقیب میشود. (همان: صص ۲۳۲-۲۳۳)

اگر میزان مقبولیت و عدم مقبولیت فرهنگ عامه را در دوره‌های مختلف تاریخی در جوامع گوناگون مورد بررسی قرار دهیم، به واقعتهای چشمگیری دست مییابیم؛ بگونه‌ای که بر اساس این بررسیها میتوان به حالات، روحیات و کیفیات زندگی مردم جوامع و سطوح

مختلف فکری، اجتماعی و نگرش علمی، حتی جهان‌بینی‌های مختلف دینی و فلسفی آنان پی‌برده، آنگاه به ارزشیابی داشته‌ها، یافته‌ها و آرمانها و خواسته‌های آنها پرداخت. در دوره قاجار، اکثریت جامعه ایرانی بهره‌ای از سواد نداشتند؛ میتوان گفت، این اکثریت هیچگونه وسیله‌ای برای پرورش و رشد فکری و جهان‌بینی نداشتند و دنیای آنها محدود به حصار محکم و استواری بود که اساس آن از معتقدات عمومی تشکیل میشد که عمدتاً شامل خرافات و اوهام بود؛ بخصوص خرافات و اوهام که میتوان گفت جزء جدایی‌ناپذیر پیکره جوامع عقب‌مانده ناآگاه است. (ایران در دوره سلطنت قاجار، شمیم: صص ۳۸۰-۳۸۱)

در این جامعه، باورها نمود بارزی داشته، اساس هرگونه نگرش و بینش را تشکیل میدادند و اگر به معنای واقعی و اصل و ریشه باورها مراجعه کنیم و حالت فراگیر آن را مورد توجه قرار دهیم، خواهیم توانست ردپای چنین عناصری را در شکلگیری زیرساخت جامعه ایرانی، با وضوح بیشتری تشخیص دهیم و حتی انواع و چگونگی تأثیر این عناصر را تعیین کنیم؛ همان چیزی که در تبیین رابطه متقابل جامعه و ادبیات از مباحث محوری بشمار می‌آید.

جامعه‌شناسان، باورها را در معنایی خاص و در جهت مشخص ساختن مجموع تصورات جمعی بکار می‌برند، که در جامعه‌ای معین بدون آنکه مورد سنجش قرار گرفته باشند و یا آنکه افراد با اتکا به عقل خویش آنان را پذیرفته باشند، بعنوان امور حقیقی و مسلم، مقبول واقع شده‌اند. باورها از عقاید مشترک مورد پذیرش همگان گرفته تا باورهای صرفاً دینی را که اساس آن بر پذیرش مقام و اهمیت امری عینی است، در بر میگیرد؛ با اینحال، معمولاً باورها را از عقیده و تصورات جمعی جدا نموده، با آنان، نظامی از ارزشهای آرمانی را مشخص میکنند؛ پس با شروع بحث از باورها، مسأله تأثیر کامل ایدئولوژی در زندگی اجتماعی و کردارهای جمعی به میان می‌آید. باورها را غالباً در چهار سطح فلسفی، روانشناسی، روانشناسی جمعی و جامعه‌شناسی بررسی میکنند، که بیگمان در هر یک از این سطوح، مجموعه‌ای از علتهای هدفهای نهایی و شیوه‌های بیان باورها، متفاوت خواهد بود. (فرهنگ علوم اجتماعی، بیرو: صص ۱۳۲-۱۳۱)

از جمله مواردی که در دوره قاجار بعنوان «فرهنگ عامه» از آنها یاد میشود، میتوان به نمودها و نمونه‌های مختلفی اشاره کرد: ایلات در اسم‌گذاری خود بسیار ساده و بی‌پیرایه بودند، خانواده‌های مرّقه معمولاً برای بچه‌ها دایه می‌گرفتند تا به آنها شیردهند، جشن ختنه‌سوران بسیار معمول بود و هرکس تمکنی داشت، برای پسرش این جشن را برگزار میکرد، حتی برای طاق شدن عدد در جشن بچه، اعیان پسرهای خود را شرکت میدادند. مراسم شیرینی‌خوران با تمام جوانب آن رعایت میشد. شال و انگشترکنان نیز حکایت

شیرینی داشت. در آن روزگار، داماد در کار عروسی هیچ مداخله‌ای نمی‌کرد. در مناطق روستایی، عروسیها معمولاً در فاصله بین برداشت و بذرکاری برگزار میشد. بطور کلی عروسی دو شبانه‌روز طول میکشید و میهمانها به دو دسته معمرین و جوانها تقسیم میشدند. مطربان شامل آوازه‌خوان و کمانچه‌کش و ضرب‌گیر و رقص، طبال و سرناچی بودند، مراسم عقدکنان با دقت تمام صورت میگرفت. جهاز عروس با دسته موزیک نظامی یا نقاره‌چی همراهی میشد و پاتختی و مادر زن سلام و تقسیم خلعتی و پاگشا نیز از رسوم عمده بودند. (شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، مستوفی، جلد اول و دوم: صص ۲۳۸-۲۱۰).

برای برگزاری عید نوروز، از اوایل اسفندماه تدارک دیده میشد و همزمان با عید نوروز، جشنهای دولتی نیز بر پا بود و در ساعت تحویل سال، سلام خاص منعقد میشد. در سیزدهم نوروز نیز ورزش و تفریح، رکن ثابت بود.

عید نوروز در همه جا و در هر شرایطی برگزار میشد بگونه‌ای که فتحعلی‌شاه در سال ۱۲۴۵ قمری، عید نوروز را در خرم‌آباد برگزار کرد که این امر نشانگر ارزش و جایگاه نهادینه شده که عیدها هم در سفر و هم در حضر است. (نسخ‌التواریخ: دوره کامل تاریخ قاجاریه، سپهر: ص ۲۶۲)

رسم عید خنده بعد از دو ماه عزاداری و زاری و نوحه محرم و صفر، به منزله مایه آرامشی برای جامعه بود. این شادی که از اول ربیع‌الاول آغاز میشد، با اسباب آتشبازی، شامل باروت و ترقه و فشفسه و موشک و امثال اینها همراه بود. (شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، مستوفی، جلد اول و دوم: صص ۳۲۰ و ۳۲۵)

امثال زیر از این دوره به ما رسیده‌اند، که به مواردی از آنها اشاره میکنیم: زهر مار از لب دیگ بر نمیگردد (اشاره به واقعه تاریخی زهرمارخان)، گاو میش حاجی میرزا آقاسی (امروز هم برای افراد از خودراضی که بدون ملاحظه به هر جا وارد میشوند، مثل است)، بنده خدا! برای من آب ندارد، برای تو هم نان ندارد؟ (از حاجی میرزا آقاسی است خطاب به چاه‌کن) و وقتی علف به دهن بزی شیرین می‌آید، کار به فضول آقاها چه مربوط است؟ (درباره عدم مداخله داماد در کار عروسی) (همان: ۲۱۱) که خاستگاه اصلی این امثال، یقیناً دوره قاجار است و با سیری در ریشه و زمینه‌های بروز این امثال، میتوان به درصد بالایی از وقایع تاریخی و اجتماعی عصر قاجار دست یافت که نشانه‌هایی از فرهنگ عامه در آن دوره است.

رویکرد ادبی شاعران به فرهنگ عامه با جلوه‌های خاص هنری آن، ویژگیهای منحصر به فردی دارد، که در توضیح و تفسیر نموده‌های فرهنگ عامه در اشعار شاعران قاجار، باید زیر و بم آنها را بنمایانیم؛ اما نکته گفتنی اینکه سرگرمیها و تفریحات و بازیها و نیز مسکرات و مخدرات و محرّمات را هم در صورت اشاره به آنها که قطعاً چنین اشاراتی مسلم است، ذیل فرهنگ عامه آورده‌ایم؛ چرا که نه تنها نوعی ارتباط ضمنی بین این موارد و نموده‌های

فرهنگ عامّه وجود دارد، تلقی افراد جامعه نسبت به اینها نیز نوعی تلقی عامیانه است؛ یعنی هیچگاه در جامعه عهدقاجار با سرگرمی و بازیها و امثال آن به شیوه علمی برخورد نشده و چارچوب خاصّ و قاعده‌مندی برای آنها در نظر گرفته نشده است.

### باورهای عامیانه

شاعر باور دارد که خورشید با اشعه خود میتواند دشمن را کور کند؛ اما بیشک این باور، باور شاعرانه و عامیانه‌ای است:

خورشید از خطوط شعاعی همی کند  
هر صبحدم به چشم عدوی تو نشتری  
(دیوان فتحعلی‌شاه، تصحیح حسن گل محمدی)

وقتی در مستی هم نمیتوان به یار نزدیک شد، باید در عالم هوشیاری دست غم بر سرزد. این بیان ادبی، ریشه در رفتارهای اجتماعی دارد که فرصتهای از دست رفته را به راحتی نمیتوان جبران کرد:

دوش در مستی به پایت سر نسودم تاکنون دست بر سر میزنم بیدست و پایی کرده‌ام  
(همان)

در هنگام ماه‌گرفتگی بر مسها میزنند؛ اما از نظر شاعر، کارها چنان وارونه شده است که بی‌سببی بر مسها میکوبند:

آن همه کز بهر او زنند کسان دست  
آن همه مس‌زن، خسوف ماه ندارد  
(دیوان عارف قزوینی، به تصحیح عبدالرحمن سیف آزاد)

هنوز این باور پابرجاست، که با انداختن مو در آتش، پریان حاضر میشوند:  
گر جعد تو مویی فکند بر سر آتش  
احضار کند روح هوا فوج پری را  
(دیوان فروغی بسطامی، به تصحیح حمیدرضا قلیچ‌خانی)

در برخی از موارد، شاخصه‌های فرهنگ عامه، کارکردهای شاعرانه‌ای دارد و شاعر آن موارد را برای همان کارکردهای خاص در شعر ذکر میکند، و مقصود او بیان باوری خاص نیست. مورد زیر یکی از این نمونه‌ها است:

او از گریه کردن و اشک ریختن، نالیدن و موییدن برای رسیدن به معشوق، نتیجه‌ای نگرفته، بنابراین این بار تصمیم گرفته است این اشک را بعنوان قاصدی به درگاه معشوق بفرستد. این همان باور عامیانه در بین مردم است، که در قالب ادبی بدین شکل در آمده است؟ و شاعر اینجا نقش سخنگو را برای مردم بعهد گرفته است، آنهم شاعری از نسخ شاه.

اشک را قاصد کویش کنم ای ناله بمان  
زانکه صد بار تو رفتی اثری نیست تورا  
(دیوان فتحعلی‌شاه، تصحیح حسن گل محمدی)

### کارکرد باورهای عامیانه

شاعران دوره قاجار، هنگام ذکر باورهای عامیانه را در اشعار خود، کارکردهای خاصی را در نظر دارند. در زیر دو نمونه از این کارکردها برای نمونه بیان میشوند، که یکی گویای کارکرد معنانشناسی و دیگری دال بر استعمال خاص شاعرانه است.

#### الف) نشان دادن جهالت و نادانی مردم و رواج خرافات گوناگون در میان آنها: در

بسیاری از اشعار شاعران دوره قاجار، به مواردی از قبیل تیر زدن اشعه خورشید به چشم دشمنان، کوفتن بر مس یا اجسام فلزی هنگام ماه گرفتگی، انداختن مو در آتش و احضار پریان و ... بر میخوریم که در این موارد شاعر سعی داشته است رواج این خرافات در بین مردم را نشان دهد. هرچند بطور دقیق نمیتوان گفت شاعر در همه موارد قصد داشته است مضرات خرافات را بیان کند؛ چرا که در بسیاری از موارد، خود شاعر نیز به این باورها معتقد است، و بیان این مطالب بیانگر واقعیت‌های اجتماعی جامعه ایران در آن روزگار است.

#### ب) کارکردهای خاص شاعرانه: شاعران عهد قاجار در برخی موارد، باورهای عامیانه را

با کارکردهای خاص شاعرانه مورد استفاده قرار داده‌اند؛ بعنوان مثال از آنها برای ساخت تشبیه یا استعاره و یا سایر آرایه‌های معنوی استفاده کرده و یا با این موارد، سنن خاص ادبی را بیان کرده‌اند.

### امثال رایج

امثال سائره زیر را از نظر میگذرانیم، تا طرز تلقی برخی از شعرای این عهد و رویکرد ادبی و هنری آنها به مسایل جامعه را بیشتر دریابیم؛ چرا که آنچه در لابلای این امثال نهفته، بازتابی از واقعیت‌های جوامع انسانی است، که شاعر آنها را با واقعیت جامعه خود تطبیق داده و در قالب تازه‌تری عرضه کرده است:

زور نداری به چاره کوش و به تدبیر  
گر تو شنیدی حدیث مور و لگن را  
(دیوان ادیب‌الممالک، جلد ۱، به تصحیح و اهتمام مجتبی بزرآبادی فراهانی)

روزن خود را چه بندی از سرای دیگران  
روزن بیگانه را بایست بستن از سرا  
(همان: جلد ۱)

همچو کبکان زیر برف اندر شدی پنداشتی  
تو نبینی خصم را او هم نمیبیند تورا  
(همان: جلد ۱)

عوام، اینگونه، در قالب مثلی نکوهیده میشوند:

مرا رواست اگر شیخ شهر عیب نماید  
کدام عیب بتر از قبول طبع عوام است (همان)

هر افراطی به تفریط میانجامد و هر تفریطی، افراط به دنبال دارد:  
دلَم از این خرابیها بود خوش زانکه میدانم خرابی چونکه از حد بگذرد، آباد میگردد  
(دیوان فرخی یزدی، تصحیح حسین مکی)

کار زشتی که فردا انجام خواهد شد، امروز تظاهر به خوبیش پسندیده نیست:  
جیبی که باز چاک به فرداست پیش خلق بیهوده امشیش زکس ای همنشین میوش  
(دیوان مجمر اصفهانی، ۱۳۱۲ ق: ۱۲/۶)

آدم گرسنه حیایی ندارد:  
برسر بالین وی آمد فراز  
گرسنه بیشرم و سر سفره باز (همان: ۱۳/۶)  
جنسی که گران خریده میشود، حلاوتی دیگر دارد:  
از لب شکرین تو بوسه به جان خریده‌ام  
ز انکه حلاوتی بود جنس گران خرید را  
(دیوان فروغی بسطامی، تصحیح حمیدرضا قلیچ‌خانی)

احتیاط واجب است، بخصوص در مواقعی که احتمال خطر نمی‌رود و از دشمنی که  
انتظار ضربه خوردن نیست:  
ز جسم نازک مینا همی خورد حذر باید ولی از دشمن خرد  
(دیوان وثوق الدوله، به تصحیح و مقدمه  
ایرج افشار)

تنبلی با پرداختن به کارهای جدی، قابل رفع است:  
کمال هر صفت در نفی ضدّ است علاج تنبلی اعمال جدّ است (همان)  
دوری از زشتیها، آمیختن با نیکیها را در پی دارد:  
یکی کز شهر تاریکان بود دور بود ماهیتش نور علی نور (همان: ۲۹)  
شیوه بزرگان بنده‌پروری است، و درگه آنان به منزله پناهگاهی برای درماندگان است:  
دوش هلاک مرا خواجه به فردا فکند چون روش خواجهگی، بنده امان دادن است  
(همان: ۹۷)

کالای تقلبی و ناسره، خریداری ندارد:  
چون خلق در آیند به بازار حقیقت  
ترسم نفروشد متاعی که خریدند (همان: ۱۶۳)  
عاشق نمیتواند از دایره خطّ معشوق رهایی یابد:  
من و از دایره خطّ تو امید خلاص  
چون نکو مینگرم قصّه مور و لگنی است  
(مجموعه آثار یغمای جندقی، مقدمه و تصحیح سیدعلی آل داوود: ۱۰۶)

سیاه‌بختی و تیره‌روزی از نظر شاعر اینگونه توصیف میشود:  
به زیره روزت ای مادر سیه شد به قول بچه‌ها گوزت گره شد (همان: ۲۰۸)  
چگونگی خروج از کمینگاه و شباهت آن به حرکت کفتار، جالب توجه است:



من چابک و چالاک برفتم ز کمینگاه  
زانگونه که گفتار رود بر سر مردار  
(دیوان قاتانی، با تصحیح و مقدمه به قلم محمدجعفر محجوب: ۴۰۴)

آزموده را آزمودن خطاست و آنکه یک بار اشتباه کرده است، دوباره مرتکب آن نمیشود:  
کنون بجست و دگر پای بست می نشود  
کمند دیده نیفتد دگر به خمّ کمند  
(درج ذرر شیبانی: ۱۰۶)

اگر کسی گناه کرده است، چرا دیگری باید تاوان بپردازد؟  
شمال از جانب بغداد خیزد گناه مردم شطّ العرب چیست؟ (دیوان ادیب نیشابوری: ۱۳۷)  
وقتی تناقضها و تعارضها با زبانی هنری به تصویر کشیده میشود، قطعاً از تمثیل استفاده میشود:  
ته رنگ حنا به ریش دو مو کوهها در میان و دور از او  
(دیوان دهخدا، به کوشش محمد دبیرسیاقی: ۱۹)  
هر کاری از دل کار دیگری بیرون میآید:  
چون خورم می در سرم سودای یار آید پدید  
راست باشد این مثل کز کار کار آید پدید  
(شهر شعر ایرج سپانلو: ۶۲)

در جامعه‌ای که شاعر زندگی میکند، جایگاه ارزشها چنان تغییر یافته که حتی مصداق  
مثلها نیز عوض شده است:

گرچه «زر زرکشد» شده است مثل  
حال «خر خر کشد» بین به عمل  
(دیوان دهخدا، به کوشش محمد دبیرسیاقی: ۵۹)

**کارکرد امثال:** شاعران دوره قاجار، امثال را با اهداف خاصی در اشعار خود بکار میبرند،  
که در زیر به برخی از آنها اشاره میشود:

**الف) کارکرد اصلی ضرب‌المثل، یعنی بیان نکته‌ای شگرف با زبان ایجاز:** همانگونه که  
میدانیم، کارکرد اصلی امثال مجمل‌گویی و پرهیز از اطناب است؛ شاعران بزرگ این دوره  
نیز که مانند سایر شاعران، بخوبی به ارزش استفاده از امثال در اشعار خود آگاه بوده‌اند،  
بارها با استفاده از این صنعت شگرف، مضامین زیبایی را خلق کرده‌اند، که در نمونه‌های  
فوق برخی از این موارد را مشاهده کردیم. گویا شاعران با سرودن این اشعار، سعی داشتند  
جامعه را از خمودگی بیدار کنند.

**ب) نشان دادن جهالت و نادانی عوام:** شاعران بالطبع نسبت به سایر مردم جامعه، از  
دیدنی بازتر و ذهنیتی روشن‌تر برخوردارند؛ چرا که از پیشگامان جامعه همینها هستند؛ از  
این رو تلاش دارند به شیوه‌های گوناگون نادانی عوام را به آنها گوشزد کنند و یا حداقل با  
بیان آن رنجی را که از نادانی آنان میکشند، قدری تسکین دهند. بیت زیر یکی از این موارد  
است:

مرا رواست اگر شیخ شهر عیب نماید  
کدام عیب بتر از قبول طبع عوام است

پ) بیان رواج تظاهر و ریاکاری در میان عمال حکومتی و مردم: شاعران این عهد، وجود ریا در میان اقشار مختلف جامعه را نیز در قالب امثال بیان میکنند: چون خلق در آیند به بازار حقیقت....

ت) کارکردهای شاعرانه: شاعران این عهد در استفاده از امثال برای بیان سنن ادبی و ساختن تشبیه و استعاره و سایر آرایه‌های ادبی نیز غافل نیستند؛ برای نمونه شاعر در بیت: من و از دایره خطّ تو امید خلاص چون نکو مینگرم قصّه مور و لگنی است برای بیان عشق و ناتوانی عاشق در رهایی از آن، از ضرب‌المثل استفاده کرده است.

### آداب و رسوم و آیینها

در جشن سده، رعایت آیین ویژه‌ای لازم است:

روز جشن سده است ای پسر ماه‌نژاد می به آیین فریدون ده و جمشید و قباد  
(همان: ۱۸۷)

رسم اسپند دود کردن، اینگونه بر زبان شاعر جاری میشود:

تا بزم شه برپا شده مجمر تن اعدا شده جانشان سپندآسا شده تا سوزد اندر مجمرش  
(دیوان نشاط اصفهانی: ۱۳)

در برخی موارد شاعر با یاری گرفتن از بیان یکی از رسوم باستانی، علاوه بر یادآوری آن رسم، تشبیهی زیبا را خلق کرده است؛ مثلاً یلدا در سال یکبار روی میدهد؛ اما یار از زلف و رخسار خود یک ماه و دو یلدا به وجود آورده‌است:

هر ساله شود پیدا یک بار شب یلدا یک ماه و دو یلدا گشت از زلف و رُخت پیدا  
(دیوان داوری شیرازی، به اهتمام نورانی وصال: ۵۹۹)

### کارکردهای یادکرد آداب و رسوم مختلف در اشعار

#### الف) یادآوری آداب و رسوم خاص ایرانی

شاعران، بسیاری از رسوم ایرانی را در آثار خود ذکر کرده‌اند. جشنها و اعیاد باستانی از قبیل جشن سده، چهارشنبه‌سوری، مهرگان، نوروز و ... از جمله مواردی هستند که در شعر شاعران این دوره با بسامد بالایی بیان شده‌اند. برای بیان چرایی این امر باید گفت، از آنرو که شاعران دوره قاجار قصد داشته‌اند همانند شاعران بزرگ قرون چهارم تا ششم اشعار خود را بسرایند، ناچار از بیان این رسوم و سنتها بوده‌اند؛ ولی این نکته دلیل موجهی برای این امر نیست و بیشک شاعران با بیان این رسوم، نیم‌نگاهی به حفظ میراث گذشتگان

داشته‌اند و برای هر چه بهتر برگزار کردن این جشنها و مراسمها در اشعار خود به چگونگی اجرای آن تأکید میکردند.

ب) کارکردهای خاص شاعرانه: استفاده از آداب و رسوم برای نشان دادن سنن ادبی نیز در شعر شاعران این عهد دیده میشود، که در بالا نمونه‌ای از آن ذکر شد. برای اجمال از بیان سایر موارد صرف نظر میشود.

### ارزشها و ضد ارزشهای جامعه

واقعیتها وارونه شده و طبیعت دگرگون گشته است:

مقلوب شد هر خاصیت، برگشت هر خلق و صفت مانند تغییر لغت، از فرط استعمالها  
(همان: ۶۱)

شاعر از اینکه ملت نتوانسته اختیار دولت را در دست بگیرد، ناخشنود است:

دولت هر مملکت در اختیار ملت است آخر ای ملت به کف کی اختیار آید تو را؟!  
(دیوان فرخی یزدی، تصحیح حسین مکی: ۷۹)

### سرگرمیها و تفریحات و بازیها

از جمله تفریحات و سرگرمیها در این دوره، نمایش شاهبازی بود که زمان آن از یک ماه مانده به عید نوروز تا جمعه بعد از سیزده بود. اسبدوانی معمول بود، بخصوص آنکه این اسبدوانی در روزهای خاصی انجام میشد و آن روزها هم معروف بودند؛ بگونه‌ای که حتی شاه و صدراعظم و تمام بزرگان دربار و فرآشها و چابکسوارها با هم دور باغ، بدون هیچ تشریفاتی میدویدند و مسابقه میدادند، و این کار تا نزدیکیهای غروب ادامه داشت و بساط مسابقه و بازی تا سال دیگر و نزدیک عید به حالت تعطیل در میآمد. (شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، مستوفی، جلد اول و دوم: ۳۵۳-۳۵۱)

جنگ و کشتی بین گلومیشه، از جمله سرگرمیهای معروف بود: «گفت امروز در میدان نارین قلعه، گلو میش را به کشتی و جنگ خواهند در انداخت، تماشا دارد همه مردم شهر در آنجا جمعند» (سیاحتنامه ابراهیم بیگ، مراغه-ای: ۱۶۲)

در دوره ناصرالدین شاه، بازی شطرنج بسیار رایج بود و شاعر بزرگی چون محمودخان ملکالشعرا، در کنار ذوق و هنر در بازی شطرنج نیز شهرت داشته است. (نهضت ادبی ایران در عصر قاجار، صفایی: ۱۰۷)

انواع بازیها و تفریحات و سرگرمیها در اشعار شاعران این دوره جلوه بارزی دارد. وقتی از محمودخان ملکالشعرا سخن به میان آوردیم و گفتیم که در بازی شطرنج شهرت زیادی داشته است، بیگمان این شاعر و امثال آن در این عهد از بازیها در شعر خود یاد کرده‌اند و

حتی اشاره‌وار هم که شده، از این رکن ثابت تفریحات جوامع روستایی و شهری غفلت نکرده‌اند.

در ششدر نرد حیرتم من تا باخته دل بیار شطرنج (دیوان فتحعلی‌شاه، تصحیح گل محمدی: ۲۰۳)

شاعر بازی شطرنج را بهانه‌ای قرار میدهد، تا بر دورنگیها و ریاکاریها بشورد:

مملکت عرصه شطرنج دغلبازان بود با حریفان دغا ورد زبان شه‌شه بود

(دیوان دهخدا، به کوشش محمد دبیرسیاقی: ۱۵۲)

نرد و شطرنج از صنایع هند قلم و کاغذ از بدایع چین (شهر شعر ایرج، سپانلو: ۲۱۹)

بازی نرد، بازی رایجی است و به ششدر افتادن در بازی نرد، یعنی در نهایت تنگنا قرار گرفتن است:

مشدر شدم خانه در نرد عذرا بدست حریف اندرم کعبیتانها

(دیوان ادیب‌الممالک، به تصحیح و اهتمام مجتبی نرژآبادی فراهانی: ۱۲۳)

چوگان نیز یقیناً از بازیهای متداول بوده است:

دل من تاب سر زلف تو دارد آری کس به جز گوی تحمل نکند چوگان را

(دیوان فروغی بسطامی، تصحیح حمیدرضا قلیچ‌خانی: ۷۳)

از جمله بازیهای معروف در این عهد، بازی آس است و آس، ورق نقاشی شده برای نوعی قمار است. تعداد این اوراق برای هر دست بازی معمولاً ۲۵ تا ۵۰ است، که پشت ورقها سیاه یکدست، و روی آنها به رنگهای پنجگانه سبز، سفید، سیاه، زرد و قرمز است و به ترتیب نقشهای شاه، بی‌بی، آس، سرباز و لکات را به سبک دلخواه بر آن نقش کنند:

باز هنگام لعب آس آمد شب شد و گاه شرب کأس آمد... (دیوان ادیب نیشابوری: ۲۱۲-۲۱۴)

بازی گنجفه نیز با بسامد بالایی در شعر شاعران این دوره بچشم میخورد؛ از جمله:

تا صبح به کف گنجفه تا ظهر به خوابند گویند که بگذار اجانب بشتابند

(دیوان اشرف‌الدین حسینی: ۷۴)

علاوه بر این، اسکی‌سواری نیز پرکاربرد بوده است: (دیوان وثوق‌الدوله، به تصحیح و مقدمه ایرج افشار: ۷۲-۷۵)

### کارکردهای سرگرمیها، تفریحات و بازیها

در شعر شاعران عهد قاجار، اشارات گوناگونی به بازیهای مختلف وجود دارد، که این اشارات معمولاً با اهداف خاصی بیان شده است. در زیر برخی از این اهداف بیان میگردد:

**الف) بیان بی‌لیاقتی حکام و قرار دادن مملکت در دست بیگانگان:** در دوره قاجار، بسیاری از کشورهای خارجی در امور داخلی ایران دخالت میکردند. شاعران این دوره نیز با روشهای گوناگونی، از حضور بیگانگان در مملکت انتقاد میکردند. یکی از انتقادات اینست، که

سران مملکت سرگرم انجام بازیهای گوناگونند و از امور مملکت غافلند:  
تا صبح به کف گنجفه تا ظهر به خوابند  
گویند که بگذار اجانب بشتابند  
**(ب) فساد اخلاقی حکام و مردم:** برخی از شاعران این عهد با استفاده از اصطلاحات  
مربوط به بازیهای گوناگون و استفاده از این اصطلاحات در تشبیه (میتوان آن را کارکرد  
شاعرانه بازیها نیز خواند) بی‌لیاقتی حکام را نشان میدهند:  
مملکت عرصه شطرنج دغلبازان بود با حریفان دغا ورد زبان شه‌شه بود  
**(پ) کارکرد هنری**  
علاوه بر این، بازیها در شعر شاعران این عهد، کارکردهای شاعرانه دیگری نیز دارد که برای  
اجمال از بیان آنها پرهیز میشود.

### مسکرات و مخدرات و محرّمات

بنظر میرسد در دوره مورد بحث ما، انواع مسکرات و مخدرات استعمال داشته است و بدتر از  
همه، شیوع کشیدن تریاک بود که مرد و زن، پیر و جوان و گروههای مختلف به آن مبتلا  
بودند و در کوچه و بازار آشکارا استعمال میکردند. (مکتب بازگشت (بررسی شعر دوره‌های افشاریه، زندیه،  
قاجاریه)، شمس لنگرودی: ۱۶۴)

از نشأه تریاک همه مست فتانند یک سلسله وافور به کف اول افطار  
(دیوان اشرف‌الدین حسینی: ۷۲)

چرس نیز به عنوان نوعی ماده مخدر، مورد استعمال بود:  
یک طایفه گشته به خرابات روانه از چرس به وجد آمده از ذوق ترانه (همان: ۷۲۹)  
ای ترک بیا امشب آتش به دل غم زن آتشکده زردشت بر خیمه رستم زن  
(دیوان ادیب نیشابوری: ۱۷۳)

بنگ نیز نوعی ماده مخدر بوده است و پر کاربرد:

بینم شب و روز با جلالت از بهر تو ای نگار بنگی  
وز «نعشه» چرس در خیالت  
گویییم غزلی بدین قشنگی (دیوان ملک‌الشعراى بهار، به اهتمام چهارزاد بهار، جلد ۵: ۲۰۲۰)  
ور باده گلرنگ نیفتاد به چنگم آن چرس بیامیخته در بنگ سلامت  
(دیوان حبیب خراسانی، تصحیح علی حبیب: ۸۰)  
در گناه دیگری زنهار جویییم از گناه داروی سردرد را خواهییم از افیون و بنگ  
(دیوان وثوق‌الدوله، به تصحیح و مقدمه ایرج افشار: ۶)

قلیان در هر کوی و برزنی به چشم میخورد:

روز از صحبتش به تنگم و شب عاجز از قلّ قلّ قلیانش  
(دیوان عارف قزوینی، به اهتمام عبدالرحمن سیف‌آزاد: ۳۲۳)

### مشکلات جامعه

دوره قاجار، عصریست که در آن افیون و استعمال مواد مخدر عام و شایع است، و اقشار مختلف گرفتار آن هستند. شاعران به اقتضای روح لطیفی که دارند، نمیتوانند در برابر این موضوع سکوت کنند؛ بنابراین به انتقاد از این وضع پرداخته‌اند. از اینرو بحث از مخدرات در شعر این عهد فراوان است، هرچند ممکن است برخی از این شاعران خود هم گرفتار این افیون باشند.

اینک به آثار نظم و نثر این دوره نگاهی دوباره می‌افکنیم و نمونه‌های مختلفی را به عنوان شاهد ذکر میکنیم، تا دلیلی باشد بر اثبات این مدّعی ما که فرهنگ عامّه با جلوه‌های بارز آن، تأثیر ویژه‌ای بر شعر و نثر دوره قاجار نهاده است، که این امر به نوبه خود هم گویای نموده‌های برجسته‌ای از زیرساخت و روساخت جامعه مورد نظر و هم نمایانگر عوام‌گرایی آن جامعه است: کف‌شناسی بعنوان علمی مورد توجه است و شعرهای مختلفی در یادکرد این علم با شیوه‌های بکارگیری آن، سروده شده است؛ از جمله: (دیوان ادیب‌الممالک، به تصحیح و اهتمام مجتبی بُرزآبادی فراهانی: ۷۳۱-۷۳۲)، علم رمل نیز با فروعات خود کاربرد نسبتاً زیادی دارد،

بعضی مواقع شعرهایی درباره لزوم ختنه سروده شده است (همان: ۸۴۷)، جشنهای دامادی و زناشویی با آداب خاص آن، به‌خصوص جشنهای دامادی و زناشویی شاهزادگان در اشعار، بازتابی بابسامد بالا دارد (دیوان فتحعلی‌خان صبا، به تصحیح و اهتمام محمدعلی نجاتی: ۱۷۸-۱۸۱، ۲۳۴-۲۳۵ و ۴۴۷-۴۵۰) و (دیوان وصال شیرازی، به تصحیح و تنظیم محمود طاووسی، جلد ۱: ۱۵۲-۱۵۴)، عیده‌های مختلف ملّی و مذهبی با

بزرگداشت خاصی به تصویر کشیده شده‌اند؛ از جمله عید نوروز، عید قربان و عید فطر. (دیوان نشاط اصفهانی: ۱۹-۲۳ و ۲۶-۲۷)، (دیوان مجمر اصفهانی: ۲۹۶-۲۹۸) و (دیوان وصال شیرازی، به تصحیح و تنظیم محمود طاووسی، جلد ۱: ۳۱۱-۳۱۴ و ۳۹۲-۳۹۴)، حتی شاعران، جشن و بزم سور و سرور فرزندان خود را نیز ذکر کرده‌اند (دیوان مجمر اصفهانی: ۲۱۱-۲۱۳)، درباره فال و چگونگی آن نیز بارها شعرهایی سروده شده است (دیوان وصال شیرازی، به تصحیح و تنظیم محمود طاووسی، جلد ۱: ۵۳۰-۵۳۱)، چگونگی شکار شاه با جلوه‌های

مختلف ادبی و هنری همراه شده و وصف گردیده است، که شکار آهو، پلنگ و... ناصرالدین شاه از این میان معروف است (دیوان سروش اصفهانی: ۲۰۰-۱۸۰)، جشنهای نوروز و اعیاد فطر، غدیر و قربان جای خود دارد. بهتر است به این نکته هم اشاره بکنیم، که جشنهای باستانی نیز از جمله جشن مهرگان هرگز فراموش نشده است (دیوان محمودخان ملک‌الشعرا: ۹۷-۹۹)، چهارشنبه‌سوری

باشوری شگفت توصیف می‌شود (دیوان اشرف‌الدین حسینی: ۴۶۴-۴۶۶) و (کلیات حکیم سوری، جلد ۲: ۹۸-۹۹) و

شعرهایی با عنوان «دری وری» به رسم زیبایی اشاره میکنند و آن لای لای گهواره است (همان: ۴۷۳-۴۷۶) زنی از دختری برای پسرش خواستگاری میکند و دختر از خودش با حالتی ستایش آمیز سخن میگوید، که خواندنی و شنیدنی است (همان: ۵۸۰-۵۸۱)، همینکه زنان گیسوان خود را کوتاه میکنند، شاعران به متن جامعه می‌آیند و این امر را موضوع شاعرانه میکنند، و این یعنی مردمی بودن شاعر (دیوان ملک‌الشعراى بهار، به اهتمام چه‌رژاد بهار، جلد ۲: ۵۲۳-۵۲۴)، بعضی مواقع اشعاری تحت عنوان «نوروزیه» سروده میشود، که در آن شادی و آداب و رسوم نوروز با مسایل سیاسی در می‌آمیزد (دیوان لاهوتی: ۴۲۶-۴۳۱)، ترانه‌هایی تحت عنوان «بالام لای» که قطعاً از فرهنگ عامه نشأت گرفته‌است، در بسیاری مواقع با دیدی انتقادی به شکوه از ستمگریها علیه ایران می‌پردازد (همان: ۵۸۱) و اشعاری با عنوان «سرود لالایی» که لالایی محض است، انس شاعر با دنیای کودکان را به تصویر میکشد (همان: ۶۰۳)، شاعر مردمی و دردمندی پیدا میشود، که عید قربان را به دلیل همزمان بودن با اجرای قرارداد ۱۹۱۹م عید عزا میداند (کلیات میرزاده عشقی، تصحیح علی‌اکبر مشیر سلیمی: ۴۱۱)، در آداب سیزده به‌در نیز شعرهای زیادی گفته شده است؛ از جمله (کلیات حکیم سوری: ۱۰۰)، درباره تولد فرزند نیز زبان شعر قاصر نمانده است (شهر شعر ایرج سپانلو: ۴۳-۴۵)، رسم تسلیت به صاحب مرده نیز به تدریج وارد شعر شعرای این دوره شده است (همان: ۷۲-۷۵).

یکی از مسایلی که در بحث از آداب و رسوم منعکس شده در شعر شاعران این دوره باید به آن اشاره کرد، علاقه شاعران به سرودن شعری برای سنگ مزار خودشان است، که رفته‌رفته این امر به یک سنت تبدیل شده است، و چه بسا شاعران خود را ملزم میدانسته‌اند که این کار را بکنند (همان: ۱۴۵-۱۴۶) و (دیوان پروین اعتصامی، با مقدمه استاد ملک‌الشعراى بهار: ۴۲۷). در بعضی از دیوانها حتی به چگونگی برگزاری نوروز کودکان نیز اشاره شده است (همان: ۳۱۳-۳۱۴)، قلیان که به سوژه روز تبدیل شده است، موضوع لغز میشود (دیوان داوری شیرازی، به اهتمام نورانی وصال: ۴۱۵-۴۱۸)، آتشبازی رسم رایج و جالب توجهی است، و حتی در سفرنامه‌ها نیز به آنها اشاره شده است (سفرنامه ناصرالدین شاه (کربلا و نجف): ۶)، مشروبات چنان جامعه را فراگرفته‌است، که شاعر در مذمت آن سخن میگوید (دیوان اشرف‌الدین حسینی: ۲۹۹-۳۰۰) و همچنین مخدرات و مسکرات به‌شدت نکوهیده میشوند (دیوان ملک‌الشعراى بهار، به اهتمام چه‌رژاد بهار، جلد ۲: ۳۶-۳۷).

## نتیجه

در دوره قاجار، به دلیل بالا بودن میزان بیسوادی در میان مردم، فرهنگ عامه نمود بسیار بارزی داشته و همزمان، پیشگامان و شاعران زیادی هم به این موضوع پرداخته‌اند. سنت

نویسندگان فرهنگ عامه در دوره قاجار نشان می‌دهد که نوشته‌های جدا از جنبه‌های طنز و سرگرمی و شوخ‌طبعی، بازتاب ایده‌ها و شرح سرگذشتهای اجتماعی مردم بوده است. کارکردهای عمومی و فرهنگ عامه در سه زمینه مطرح بوده است: جهالت مردم، خرافات عمومی و ارزشگذاری منفی رفتار و عملکرد حکومت. اگر بخواهیم نتیجه جامع‌تر و مشخص‌تری از این موضوع بگیریم، باید اضافه کنیم که وضع بد زندگی عمومی مردم عمدتاً ناشی از ناکارآمدی حکومت در دوره قاجار و گسیختگی روابط مردم و دولت بوده است. در حقیقت، عدم مشروعیت حکومت چیزی بوده که مدام به شیوه‌های فکاهی در نوشته‌ها و شعرها آمده است، و به تفصیل، باید گفت که وضعیت بد اجتماعی و تأکید بر آن در متون فرهنگ عامه، نشانه مهمی از ناکارآمدی حکومت در انجام وظایف خود در سامان دادن به وضع جامعه است. این ناکارآمدی هم در زمینه‌های نازل اجتماعی مردم تجلی می‌یابد و هم در رفتار بد و غیرقانونی آن. هنگامی که حکومت مورد تمسخر قرار می‌گیرد و در قالب مزاح با آن برخورد می‌شود، جور و جفا و ناکارآمدی آن مورد تأکید است، و هنگامی که وضع بد مردم مورد اشاره است، باز ناکارآمدی حکومت در سامان دادن به زندگی مردم مورد توجه قرار می‌گیرد و بر آن تأکید می‌شود.

با توجه به همین اصل مهم است، که متون ادبی و مباحث فرهنگ عامه نیز همانند متون تاریخی و جامعه‌شناسی که ساخت سیاسی و اجتماعی ضعیفی برای حکومت و دولت در دوره قاجار قائل هستند، در سطحی غیررسمی و به طور ضمنی به این موضوع اشاره می‌کنند، و همین نتیجه را بازتاب می‌دهند.

## منابع

۱. ایران در دوره سلطنت قاجار. شمیم، علی‌اصغر. (۱۳۸۰) چاپ دوم، تهران: زریاب.
۲. پژوهش و بررسی فرهنگ عامه ایران. بیهقی، حسینعلی. (۱۳۶۵) آستان قدس رضوی.
۳. تحقیق درباره زندگانی، احوال، اعمال، افکار و دیوان کامل اشعار فتحعلی‌شاه قاجار «خاقان». گل‌محمدی، حسن «فریاد». (۱۳۷۰) چاپ اول، تهران: اطلس.
۴. دُرُج دُرُر. شیبانی، فتح‌الله محمدکاظم. (۱۳۰۰) چاپسنگی، تهران: بی‌نام.
۵. دیوان. اعتصامی، پروین. (۱۳۷۵) با مقدمه استاد ملک‌الشعراى بهار، چاپ سوم، تهران: ساحل.
۶. دیوان. داوری شیرازی. (۱۳۷۰) به اهتمام نورانی وصال. چاپ اول، بی‌جا، وصال.
۷. دیوان. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۶۶) بکوشش محمد دبیرسیاقی. چاپ چهارم، تهران: تیراژه.
۸. دیوان. فرّخی یزدی، محمد. (۱۳۶۳) به قلم حسین مکی. چاپ هفتم، تهران: امیرکبیر.



۹. دیوان (براساس ده نسخه خطی). فروغی بسطامی، عباس بن موسی. (۱۳۷۵) گردآوری و پژوهش: حمیدرضا قلیچ‌خانی. چاپ اول، تهران: روزنه.
۱۰. دیوان: قآنی شیرازی. (۱۳۳۶) با تصحیح و مقدمه به قلم محمدجعفر محبوب. چاپ اول، تهران: چاپ موسوی.
۱۱. دیوان: وثوق (وثوق الدوله). (۱۳۶۳) به تصحیح و مقدمه ایرج افشار. چاپ اول، تهران: سلسله نشریات «ما».
۱۲. دیوان اشعار (دو جلدی). بهار، ملک‌الشعرا محمدتقی. (۱۳۸۰) به اهتمام چهارزاد بهار، چاپ دوم، تهران: توس.
۱۳. دیوان اشعار. خراسانی، حاج میرزا حبیب. (۱۳۶۱) به سعی و اهتمام علی حبیب. چاپ چهارم، تهران: زوآر.
۱۴. دیوان اشعار. صبا، ملک‌الشعرا، فتح‌علی‌خان. (۱۳۴۱) به تصحیح و اهتمام محمدعلی نجاتی. چاپ اول، تهران: اقبال.
۱۵. دیوان شعر. اصفهانی، مجمر. (سیدحسین طباطبایی). (۱۳۱۲ق) چاپ سنگی، تهران: کارخانه محمداسماعیل و محمدابراهیم.
۱۶. دیوان کامل (دو جلدی). ادیب‌الممالک فراهانی، محمدصادق بن حسین (محمدصادق امیری فراهانی قائم مقامی). (۱۳۷۸) به تصحیح و اهتمام مجتبی بُرزآبادی فراهانی. چاپ اول، تهران: فردوس.
۱۷. دیوان کامل (دو جلدی). شیرازی، وصال. (۱۳۷۸) به تصحیح و تنظیم محمود طاووسی. چاپ اول، شیراز: نوید شیراز.
۱۸. زندگی و اشعار. نیشابوری، ادیب. (۱۳۶۷)، بکوشش یدالله جلالی پندری. چاپ اول، تهران: بنیاد.
۱۹. سفرنامه کربلا و نجف. ناصرالدین شاه قاجار. (۱۳۳۵) به خط میرزا رضا کلهر. تهران: کتابخانه سنایی.
۲۰. سیاحتنامه ابراهیم بیک. مراغه‌ای، زین‌العابدین. (۱۳۷۸) چاپ اول، تهران: محور.
۲۱. شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه. مستوفی، عبدالله. (بی‌تا)، جلد اول و دوم. چاپ دوم، تهران: زوآر.
۲۲. شهر شعر ایرج. سپانلو، محمدعلی. (۱۳۷۶) چاپ اول. تهران: علم.
۲۳. کلیات. دانش، تقی (حکیم سوری). (بی‌تا) تهران: اقبال.
۲۴. کلیات. گیلانی، سیداشرف‌الدین (نسیم شمال). (۱۳۷۵) با مقدمه و اهتمام احمد اداره‌چی گیلانی. چاپ اول، تهران: نگاه.

۲۵. کلیات دیوان. اصفهانی، نشاط. (بی‌تا) تهران: کتابفروشی محمودی.
۲۶. کلیات دیوان. قزوینی، عارف. (۱۳۵۶) به اهتمام عبدالرحمن سیف‌آزاد. چاپ ششم، تهران: امیرکبیر.
۲۷. کلیات مصور میرزاده عشقی. میرزاده عشقی، سیدمحمدرضا. (۱۳۵۷) تألیف و نگارش علی‌اکبر مشیر سلیمی. چاپ هفتم، تهران: امیرکبیر.
۲۸. فرهنگ علوم اجتماعی. بیرو، الن. (۱۳۷۵) ترجمه باقر ساروخانی. چاپ سوم، تهران: کیهان.
۲۹. مجموعه آثار. یغمای جندقی، (۱۳۵۷) جلد اول. مقدمه و تصحیح سیدعلی آل داوود. با مقدمه‌ای از باستانی پاریزی. چاپ اول، تهران: توس.
۳۰. مکتب بازگشت (بررسی شعر دوره‌های افشاریه، زندیه، قاجاریه). شمس لنگرودی، محمد. (۱۳۷۵) ویرایش دوم، تهران: مرکز.
۳۱. نسخ‌التواریخ: دوره کامل تاریخ قاجاریه. سپهر، میرزا محمدتقی لسان‌الملک. (۱۳۳۷) با مقابله و تصحیح کامل و فهرس به اهتمام جهانگیر قائم‌مقامی. چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.
۳۲. نهضت ادبی ایران در عصر قاجار. صفائی، ابراهیم. (بی‌تا) چاپ دوم، تهران: کتابفروشی ابن سینا.